

بسم الله الرحمن الرحيم

شیوه های مدیریت زمان در آیات قرآن و منابع تفسیری معاصر

هاجر زمانی^۱

چکیده

سلام به عنوان یک دین کامل و جامع و با برنامه های نمونه ای که دارد، توجه شایانی به بهره گیری از فرصت و وقت داده است. قرآن و روایات در برخی موارد به وضوح و در برخی موارد دیگر به طور ضمنی نکاتی را درباره زمان، برنامه ریزی و استفاده از فرصت بیان داشته است؛ از این جهت مقاله نگاشته شده با موضوع شیوه های مدیریت زمان در آیات قرآن و منابع تفسیری معاصر می باشد؛ هدف اصلی نگارش این مقاله بررسی چگونگی روش های مدیریت زمان می باشد که با توجه به آیات قرآن کریم نگاشته شده است و تفاسیر آن نگاشته شده که نشان می دهد برای مدیریت زمان باید هدف های خود را مشخص نمود برای کارهای خود اولیت بندی کرد و برای کارهای خود اولیت های مناسب قرار داد؛ از این جهت می توان به این نتیجه رسید که برای این که انسان از زندگی خود بهره کافی ببرد لازم است که زمان خود را مدیریت نماید؛ مقاله نگاشته شده به روش کتابخانه ای و تحلیلی از قرآن کریم و تفاسیر آن نگاشته شده است.

کلید واژه: تفسیر، زمان، قرآن، مدیریت

۱. مرکز آموزش غیر حضوری قم، سطح ۲ حوزوی، کدطلبگی: ۹۷۱۲۲۰۳۱۵۹

مقدمه

زمان با ارزش ترین و گرانبهاترین سرمایه و حیاتی ترین منبعی است که در اختیار هر فردی قرار داشته، زندگی از آن ساخته می شود و تلف شدن آن ضایعات جبران ناپذیری را به بار می آورد. نگرش صحیح نسبت به زمان و مدیریت پذیر بودن آن، نخستین گام در مسیر استفاده بهینه از وقت است، زیرا برخلاف آنچه تصور می شود، زمان را می توان در اختیار گرفته و کنترل کرد.

در حقیقت هر ساعت و هر روز یک ظرف زمانی است که باید آن را بر حسب اولویت و به شکل حساب شده پر کرد؛ اما از سوی دیگر، اگر از زمان غافل شد و به گذشت زمان اعتماد کرده و آن را به حال خود رها کرد نتیجه ای جز زیانکاری به دنبال نخواهد داشت.

در قرآن کریم عبارت «والعصر» این سوگند توجه آدمی را به نعمتی معطوف می دارد که از ارزش والایی برخوردار است. زمان از جمله نعمت هایی است که در متون دینی از اهمیت بسیار آن سخن به میان آمده است. خداوند در پرتو نعمت زمان، قابلیت های نهفته ای را در طول مدت عمر، برای انسان به ودیعه گذارده که مدیریت روشمند و بهره برداری صحیح از آن، نقش تعیین کننده ای در اعتلای کیفی سبک زندگی دینی و در نتیجه حیات معقول دارد. از این رو دین مبین به عنوان برنامه ای هوشمند و همه جانبه، توجه انسان را به اهمیت زمان معطوف داشته و توصیه های مفیدی را در مورد شیوه صحیح مدیریت زمان و بهره وری مناسب از آن گوشزد می کند.

با توجه به بررسی های انجام شده کتب و مقالات فراوانی در باب این موضوع نگاشته شده که برخی از آنها عبارت اند از: مقاله مدیریت زمان در سیره و متون روایی ائمه معصومین (علیهم السلام) نوشته سیده سارا نامی عنا منتشر شده در نشریه دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱ سال ۱۳۹۵، مقاله مدیریت زمان از دیدگاه قرآن و روایات نوشته محمد جواد توکلی منتشر شده در نشریه فصلنامه علمی و تخصصی مطالعات علمی و پژوهشی سال ۱۳۹۶، مقاله اصول مدیریت

زمان در سبک زندگی نوشته فریده جعفر ارسلو منتشر شده در نشریه فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشنامه سبک زندگی سال ۱۴۰۱ کتاب مدیریت زمان برایان تریسی بیان شده است.

منابع بیان شده با موضوع مدیریت زمان می باشد که از نظر اسلام مورد بررسی قرار گرفته اند که به نوعی شبیه به این موضوع می باشند؛ تنها وجه نو آوری این مقاله این است که به قرآن کریم و تفاسیر آیات آن اشاره دارد.

۱: مفهوم شناسی

۱_۱: مفهوم مدیریت

مدیر نعت فاعلی از مصدر اداره می باشد و در لغت به معنای گرداننده، آن که می گرداند، دَوردهنده و از حروف اصلی «دور» می باشد^۱؛ مدیر به رئیس و فرماندار نیز گفته می شود^۲.

بعضی گفته اند: رهبر یا مدیر اصطلاحاً به کسی گفته می شود که می تواند کوشش و فعالیت های افراد را برای رسیدن به هدف یا اهداف معینی هماهنگ و به طرز شایسته ای سازمان دهد^۳.

۱_۲: مفهوم زمان

زمان در لغت به معنای وقت است کم باشد یا زیاد. معادل این واژه در زبان فرانسه TEMPS و در زبان انگلیسی TIME می باشد^۴.

در لغت به معنای وقت، هنگام، دور، عهد^۵، همچنین زمان در لغت نامه های دیگر به معنای فوق و مرگ است و همین طور زمان از لغات مشترک میان عرب و عجم است^۶.

^۱ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱۸، ص ۱۷۷

^۲ معلوف، المنجد، ص ۵۸۸

^۳ ابراهیمی، مدیریت اسلامی، ص ۳۲

^۴ صانعی دره بیدی، جمیل صلیبا، فرهنگ فلسفی، ج ۱، ص ۳۸۲

^۵ معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۵، ص ۶۵۳

^۶ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۲۷، ص ۴۲۸

و در اصطلاح عبارت است از مدت واقع بین دو حادثه که یکی از آنان پیشین و دومی در پی اولی باشد استعمالات آن عبارت است از زمان دور کردن، زمانی جوانی، زمان جاهلیت، و جمع زمان ازمنه است.^۱

در اصطلاح فلسفی، زمان عبارتست از نوعی مقدار و کمیت متصل و پیوسته که ویژگی آن قرارناپذیری و گذرایی می‌باشد و به واسطه حرکت، عارض بر اجسام می‌شود.^۲

تعریف‌های دیگری نیز از زمان ارائه شده است. نظریات فیلسوفان و صاحب نظران بقدری درباره زمان مختلف و متناقض است که کمتر مساله فلسفی را می‌توان با آن مقایسه کرد. از سویی، زمان را از جواهر مجرد برشمرده‌اند و از سوی دیگر عده‌ای دیگر، آن را تا سرحد امور وهمی و پنداری دانسته‌اند.^۳

دشواری تبیین زمان به این علت است که از یک سوی زمن مستقیماً مورد تجربه حسی واقع نمی‌شود و از سوی دیگر، از امور مربوط به جهان مادی محسوس به شمار می‌آیند.^۴

۱-۳: مفهوم مدیریت زمان

از مدیریت زپان تعاریف مختلفی ارائه شده از جمله: روش صحیح استفاده از زمان برای دسترسی بهتر و سریع تر به اهداف زندگی^۵، و یا سر و سامان دادن و انجام به موقع اولویت‌ها^۶، و اما در تعریف دقیق تر مدیریت زمان یعنی استفاده درست از زمان به نوعی که رفاه جسمی، روحی، اقتصادی فرهنگی و اسایش انسان را تامین نماید.^۷

مدیریت زمان عبارت است از آگاهی به علم و فن و هنر استفاده بهینه از زمان، داشتن دانش و مهارت الزم در این زمینه و انجام کارها وامور به طور اثربخش و به موقع، که برخورداری از آن یکی

^۱ فلسفی، فرهنگ فلسفی، ص ۳۸۲

^۲ طباطبایی، نه‌ایة الحکمه، ص ۲۶۹

^۳ فخر رازی، مباحث مشرقیه، ج ۱، ص ۶۴۲

^۴ مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۲، ص ۱۴۷.

^۵ سلحشور، الفبای زندگی برای کودکان، ص ۷۰

^۶ پور حسینی، چهار اکسیر موفقیت، ص ۱۰۶

^۷ فتحی، مهارت مدیریت زمان، ص ۱۵

از کلیدهای موفقیت است. مدیریت زمان یعنی برنامه ریزی زمان، یعنی فراهم کردن نقشه و طرحی مناسب و دقیق برای رسیدن به هدف های مورد نظر و از قبل تعیین شده^۱

۱_۴: مفهوم تفسیر

نخست آنکه این واژه از ماده فسر گرفته شده است. لغویان برای این ماده معانی متعددی ذکر کرده‌اند، از جمله بیان و توضیح دادن^۲، آشکار ساختن امر پوشیده^۳ و کشف و اظهار معنای معقول^۴ که همه این معانی در مفهوم «تبیین و آشکار ساختن و اظهار کردن» مشترک‌اند. برخی «فسر» و «تفسیر» را مترادف یکدیگر دانسته‌اند^۵ اما به نظر میرسد که — به دلیل خصوصیت معنایی باب تفعیل که اغلب در معنای مبالغه و تکثیر است^۶ و با توجه به معانی ذکر شده برای «تفسیر» در کتب لغت^۷ — واژه تفسیر مبالغه معنای فسر^۸ و به معنای آشکار نمودن مطالب معنوی و معقول همراه با سعی و اجتهاد باشد^۹.

دیدگاه دوم آن است که این واژه مشتق از «سفر» و مقلوب آن است^{۱۰}. این قول علاوه بر آنکه مبتنی بر قاعده اشتقاق کبیر می‌باشد که در زبان عرب رایج است^{۱۱}، ناشی از آن است که برخی از لغت‌شناسان معنای اصلی ماده سفر را کشف و آشکار شدن دانسته‌اند^{۱۲} با این توضیح که دو ماده، علاوه بر لفظ، در معنا نیز مشابه‌اند. اما بررسی موارد استعمال این دو ماده نشان می‌دهد که اولی

^۱ به پژوه، هفتاد رهنمود مهم درباره مدیریت زمان برای پدران و مادران، مجله پیوند، شماره ۲۸۰، ص ۷

^۲ جوهری، صحاح، ج ۲، ص ۷۸۱.

^۳ ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۵۵.

^۴ راغب اصفهانی، مفردات، ج ۱، ص ۶۳۶.

^۵ فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۲۴۷.

^۶ استرآبادی، شرح شافیه ابن‌الحاجب، ج ۱، ص ۹۲.

^۷ ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۵۵.

^۸ الفیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۱۷.

^۹ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۱، ص ۱۰.

^{۱۰} رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۳-۲۴.

^{۱۱} تهانوی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، ج ۱، ص ۲۰۷.

^{۱۲} ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۸۳.

بیش تر در مورد اظهار معنای معقول و آشکار کردن مطالب معنوی و دومی برای آشکار نمودن اشیای خارجی و محسوس استفاده می شود.^۱

تفسیر در اصطلاح عام به شرح و توضیح کتابهای علمی و ادبی و فلسفی اطلاق میشود چنانکه آثار مکتوب در شرح کتاب های دانشمندی چون ارسطو و اقلیدس و نیز شرح برخی سخنان و اشعار مهم به این نام خوانده شده است.^۲ همچنین تفسیر یکی از صنایع ادبی است. در این صنعت، شاعر یا گوینده آنچه را که در آغاز به صورت مبهم یا مجمل آورده، شرح میدهد.^۳

همچنین تفسیر به معنایی کشف و پرده برداری از ابهامات کلمات و جمله های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آن هاست. به عبارت دیگر، تبیین مفاد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن ها بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلانی محاوره است.^۴

۲: اهمیت مدیریت زمان

یکی از شاخصه های مهم و اصلی زندگی عالی و ایده آل، به بهتر مدیریت نمودن زمان و فرصت ها بر می گردد. به طور اساسی کسانی که در زندگی خود حرفی برای گفتن دارند و توانسته اند به موفقیت های قابل توجهی دست یابند، از فرصت های خود به نحو مطلوب استفاده نموده اند. بدین علت است که به گفته بسیاری از بزرگان، در نزد اصحاب حقیقت، فوت زمان و فرصت، از فوت شدن روح و جان سخت تر است؛ چرا که فوت روح، سبب جدایی از خلق است و فوت فرصت، جدایی از حق می باشد.

زمان با ارزش ترین و گران بهاترین سرمایه و حیاتی ترین منبعی است که در اختیار هر فردی قرار داشته، زندگی از آن ساخته می شود و تلف شدن آن ضایعات جبران ناپذیری را به بار می آورد. نگرش صحیح نسبت به زمان و مدیریت پذیر بودن آن، نخستین گام در مسیر استفاده بهینه از وقت است، زیرا برخلاف آنچه تصور می شود، زمان را می توان در اختیار گرفته و کنترل کرد. در حقیقت هر ساعت و هر روز یک ظرف زمانی است که باید آن را بر حسب اولویت و به شکل حساب شده پر

^۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۳۶۷.

^۲ حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ستون ۴۶۲.

^۳ ابن عاشور، تفسیر التحریر و التنویر، ج ۱، ص ۱۰.

^۴ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۳.

کرد. به این ترتیب دیگر «زمان بی کاری» معنا نداشته و باید برای لحظه لحظه های عمر برنامه ریزی کرد!^۱

انسان‌ها معمولاً وقت را فدای مال و ثروت می‌کنند و آن را وسیله ترقی مادی قرار می‌دهند، در صورتی که باید مال و ثروت در خدمت وقت باشد و آنها را وسیله بهره‌مندی برتر از وقت قرار داد. بر همین اساس پیامبر (صل الله علیه و آله) فرمود: «كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشْحُ مِنْكَ عَلَى دِرْهِمِكَ وَ دِينَارِكَ؛ در حفظ عمر خ ود، بخیل‌تر از پول و ثروت خود باش^۲».

در قرآن بقدری به وقت احترام شده که گویی در اوج ارزش‌ها و مادر فضایل است، تا آنجا که خداوند به آن سوگند یاد کرده می‌فرماید: «وَالْعَصْرِ؛ سوگند به عصر [ظه‌ور پیامبر اسلام]^۳».

خدای متعال راستگوست و نیازی به سوگند ندارد، ولی گاهی برای تأکید بر مطلبی و یا نشان دادن اهمیت چیزی بدان سوگند یاد می‌کند؛ از این رو در این سوره به «عصر» قسم یاد می‌کند تا توجه انسان را به اهمیت زمان و عصر جلب کند، و او را به تأمل بیشتر در عوامل زیانکاری و سعادت خود فراخواند^۴.

در قرآن از هر آنچه که موجب اتلاف وقت می‌شود به عنوان لغو، باطل، افراط و به طور کلی بیهوده‌گرایی و پوچی سرزنش شده است، چرا که موجب نابودی عالی‌ترین سرمایه زندگی و آفت زیست سالم می‌شود، خداوند در تعریف انسان با ایمان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ و آنان که از لغو و سخن باطل اعراض و احتراز می‌کنند^۵».

«لغو»: گفتار و یا کردار بی‌فایده است مانند شوخی و بازی، یعنی کوشش و جدیت در امور، آنها را از مسخرگی و بیهودگی و فرو رفتن در امور باطل و همه‌گناهان باز داشته است و خداوند به دنبال

^۱ به پژوه، هفتاد رهنمود مهم درباره مدیریت زمان برای پدران و مادران، مجله پیوند، شماره ۲۸۰، ص ۷

^۲ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۸.

^۳ سوره عصر، آیه ۱

^۴ رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۲۲، ص ۳۳

^۵ سوره مومنون آیه ۳

توصیف مؤمنان به خشوع در نماز، آنها را به دوری کردن از لغو، نیز وصف کرده تا فعل و ترک را در آنان جمع کرده باشد.^۱

قرآن با تعبیرات گوناگون و هشدارهای شدید، ما را به بهره‌گیری صحیح از وقت فراخوانده و اتلاف گران وقت را به عذاب‌های سخت تهدید کرده است، بنابراین آنان که وقت خود را به بطالت می‌گذرانند در حقیقت بر ضد قرآن گام برداشته و در راه گمراهی افتاده‌اند، چرا که قرآن قدردانی از وقت را از ارکان اصلی ایمان و وسیله نجات و پیروزی دانسته است. آخرین سخن اینکه به فرموده قرآن یکی از پرسش‌هایی که کافران از پیامبر (صل الله علیه و آله) به عمل آوردند در مورد فواید ماه‌ها بود، خداوند به پیامبر (صل الله علیه و آله) وحی کرد: «قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ...؛ بگو این ماه‌ها نشان‌دهنده وقت‌ها برای نظام زندگی مردم است»^۲.

۳: شیوه‌های مدیریت زمان

چگونگی استفاده بهینه از وقت به این است که انسان با برنامه‌ریزی صحیح، کارهای مثبت خود را با تنظیم خاصی بین ساعات شبانه‌روز تقسیم کند و هر ساعت یا هر چند ساعت را برای انجام کاری قرار داده و به این برنامه و نظم ادامه دهد، به گونه‌ای که اگر روزی در نظم و برنامه‌اش خللی وارد شد احساس چالش و کمبود کرده و به جبران آن پردازد، مثلاً در امور معنوی و خودسازی، چنانکه علمای اخلاق گفته‌اند وقتی که صبح فرا رسید تا شب هنگام خواب پنج مرحله را با ترتیب و برنامه خاص بپیماید

این برنامه‌ریزی پنج مرحله‌ای یک نوع وقت‌شناسی و بهره‌مندی از فرصت طلایی وقت است که قطعاً باعث رشد و تعالی شده و موجب نجات و پیروزی در دو جهان خواهد شد. امیرمؤمنان علی (ع) برای استفاده از ساعات شبانه‌روز و چگونگی بهره‌مندی از آن ساعت‌ها در سخنی می‌فرماید: «انسان با ایمان ساعت‌های زندگی‌اش را به سه بخش تقسیم می‌کند: ۱- بخشی را به مناجات با خدا و برقراری ارتباط با آفریدگار جهان می‌پردازد. ۲- بخشی را در طریق تأمین هزینه زندگی و سامان دادن به معاش (مانند غذا، لباس، مسکن و مرکب) به کار می‌گیرد ۳- بخش دیگر را برای استراحت و بهره‌گیری از لذت‌های حلال و آرامش بخش روح و روان برمی‌گزیند و برای خردمند صحیح نیست

^۱ گروهی از مترجمان، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۲۳۹

^۲ سوره بقره، آیه ۱۸۹

که حرکتش جز در یکی از این سه مورد باشد، یعنی تأمین معاش و عبادت و آباد کردن آخرت یا بهره‌گیری از لذت و آسایش غیر حرام^۱».

بر اساس آیات شیوه‌های مدیریت زمان عبارت اند از:

۳-۱: تعیین هدف

هدف، عبارت است از آن حقیقت مطلوب که اشتیاق وصول به آن، محرک انسان است به انجام کارها و انتخاب وسیله‌هایی که آن حقیقت را قابل وصول می‌نماید^۲.

در طول تاریخ بشر، این خطاها بر سر راه کسانی قرار گرفته است که به معنای صحیح «هدف» نیندیشیده و یا آن را نیافته‌اند. از این رو، به غلط آنچه را که لازمه زندگی و یا از اجزاء حیات دنیوی بشر بوده و در مواردی ایده‌آل برای بخشی از زندگی به حساب می‌آمده، هدف برای کل حیات تلقی نموده‌اند؛ و با توجه به چگونگی این تلقی و انتخاب، دچار زیان در زندگی یا شکست‌های روحی شده‌اند. در این باب، می‌توان به کسانی اشاره کرد که بهره‌مندی از لذت‌ها و شهوت‌ها را هدف دانسته‌اند؛ در حالی که این تصور غلطی است؛ چرا که آنچه جزء زندگی است نمی‌تواند هدف زندگی باشد. برای چنین افرادی پس از پایان زندگی، یعنی حیات دنیوی، رسیدن به هدف، هیچ تصویری ندارد. یا کسانی که رسیدن به مدارج عالی علمی را هدف زندگی خود دانسته‌اند، علاوه بر آنکه ممکن است در رسیدن به این مطلوب ناکام مانده و به دلیل احساس شکست، دید منفی و مایوسانه‌ای نسبت به زندگی بیابند؛ در صورت موفقیت نیز، پس از پایان زندگی دنیوی، نیل به هدف دیگر برای آنان معنا نخواهد داشت. بنابراین، باید «زندگی» و «هدف از زندگی» از یکدیگر متمایز شوند و آنچه داخل در محدوده زندگی است، هدف زندگی تلقی نشود. به هر صورت، هنگام پرداختن به پرسش از هدف زندگی، باید مافوق حیات طبیعی قرار گرفت؛ تا سراغ آن را در حیات طبیعی محض و شئون آن نگرفت.

کسانی هستند که گام فراتر نهاده با بعد متعالی حیات آشنا شده‌اند اینان توانسته‌اند در سایه تحصیل کمال دریچه‌ای از عالم بالا بر روی خود بگشایند و با عظمت‌های معنوی زندگی، آشنا شوند. از این رو، این دسته، نه مانند گروه اول با آسودگی خاطر در عالم غفلت و بی‌خبری غنوده‌اند و نه مانند

^۱ نهج البلاغه، حکمت ۳۹.

^۲ جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸.

گروه دوم به پوچی رسیده‌اند. آنان با دستیابی به حقایقی که از دید ظاهر بینان، پنهان و پوشیده است، فلسفه زندگی را در ماورای مرزهای ظواهر یافته، از آن سخن گفته‌اند، و برای رسیدن به آن از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزند. قرآن نیز رسیدن به هدف نهایی و موفقیت را به آنان نوید داده و خداوند هم یاری‌شان خواهد کرد.^۱

همان گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ و هر کس روی تسلیم و رضا به سوی خدا آرد و نکوکار باشد چنین کس به محکم‌ترین رشته الهی چنگ زده است، و (بدانید که) پایان کارها به سوی خداست»^۲.

سر انجام و عاقبت همه امور به خدای تعالی منتهی می‌شود بدین معنا که ایجاد املاک و افلاک و عناصر جز جهت ایجاد موالید نیست و جمیع حرکات ارادی و طبیعی و سکنت آنها و جمیع موالید جز جهت ایجاد انسان نیست، در حالی که خداوند انسان را به خاطر خودش خلق کرده است. یا معنای آیه این است که هر امری به خدای تعالی منتهی می‌شود، بدان معنا که غایت هر فعلی به امری منتهی می‌شود که آن مقصود بالذات نیست، بلکه مقصود به خاطر غیر است تا منتهی شود به غایت غایتها و نهایت نهایت‌ها. یا معنای آیه این است که عاقبت همه امور در نظر و لحاظ به خدا برمی‌گردد، یعنی ناظر هرگاه به امری نظر کند آن را صادر از فاعل می‌یابد و هرگاه به آن فاعل نظر کند می‌بیند که او در آن فعل تحت فرمان و تسخیر غیر خودش می‌باشد.^۳

تفکیک میان هدف و وسیله، یکی از بزرگترین عوامل زندگی هدفدار است، زیرا با این تفکیک عظمت و ارزش هدف‌ها معلوم می‌شود و در صورتی که انسان خود آشنا و دارای علاقه به خویشتن باشد، بهترین هدف را برای زندگی خود انتخاب می‌نماید. اگر تفکیک مزبور صورت نگیرد، زندگی آدمی مانند قطعه کاغذی است که بدون هدف در تند باد حوادث زندگی به این سو و آن سو کشیده می‌شود و چنین انسانی وسیله‌ای برای هدف زندگی دیگران می‌گردد.^۴

از این رو لازم است میان هدف و وسیله تفکیک صورت گیرد تا انسان دچار خطا نشود و وسیله را به جای هدف اشتباه نگیرد، و هدف‌های زودگذری که در واقع وسیله‌های زندگی نهایی بیش نیستند

^۱ سادات، بینش اسلامی دوره پیش دانشگاهی، ص ۳۷

^۲ سوره لقمان، آیه ۲۲

^۳ سلطان علی شاه، متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعادة فی مقامات العبادة، ج ۱، ص ۳۸۰

^۴ جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۷۸

هدف‌های زندگی انتخاب نکنند زیرا کسی که به هدف‌های زودگذر دل می‌بندد و برای دستیابی به آنها تلاش می‌کند، باید به خود احتمال شکست بدهد. اما دل بستن به هدف‌های جاویدان و متعالی و سعی در راه رسیدن به آنها، بنا به وعده تخلف‌ناپذیر قرآن موفقیت را در پی خواهد داشت.

همان گونه که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ؛ و آنان که در (راه) ما (به جان و مال) جهد و کوشش کردند محققاً آنها را به راه‌های (معرفت و لطف) خویش هدایت می‌کنیم، و همیشه خدا یار نکوکاران است»^۱.

اگر انسان تنبلی و سستی کند ره به جایی نمی‌برد، همان‌طور که اگر تلاش کند ولی اخلاص در کار نباشد و برای خدا عمل نکند، هدایت الهی شامل حال او نمی‌شود و همین دو مطلب رمز موفقیت‌ها و ناکامی‌های مسلمانان در طول تاریخ اسلام بوده است.^۲

از این رو تحقق هر هدف و برنامه‌ای نیازمند زمان مناسب خود است. به تدریج صورت می‌گیرد همان گونه که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ بَدَلَ جُهْدَ طَاقَتِهِ بَلَغَ كُنْهَ إِرَادَتِهِ؛ هر که نهایت توان خود را به کار گیرد، به نهایت خواست خود دست یابد»^۳.

در مسیر تعیین هدف، شناسایی امکانات، قابلیت‌ها، و توانمندی‌ها از اهمیت اساسی برخوردار است؛ از نگاه امام علی (علیه السلام) عالم واقعی کسی است که حد و حدود خود را بشناسد و از آن تجاوز نکند.

۲-۳: برنامه ریزی

برنامه‌ریزی ستون اصلی و بنیادین مدیریت است. همان‌سان که برای مدیریت تعاریف متعددی وجود دارد، از برنامه‌ریزی نیز تعاریف گوناگونی ارائه شده است. ولی به صورت کلی می‌توان گفت: برنامه‌ریزی اندیشه‌ای است در کلیات و جزئیات طرح برای تعیین هدف و مقاصد (نقشه کار و برنامه) به همراه تعیین شیوه‌ها و روش‌های رسیدن به هدف.^۴

^۱ سوره عنکبوت، آیه ۶۹

^۲ رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۱۶، ص ۱۱۳

^۳ آمدی، غررالحکم، ص ۶۳۱، ج ۸۷۸۵

^۴ داوود پور، مدیریت تولید، ص ۱۹

از دیدگاه آیات، روایات و روش‌های عملی رهبران دینی، برنامه‌ریزی جایگاهی بس بلند دارد و از آن‌گریزی نیست و به ناچار مدیران برای پیش‌گیری از فروافتادن در دام ناکامی‌ها، باید به آن روی کنند. امیرمؤمنان (علیه السلام) در کلام حکیمانه خود بقا و پای‌داری دولت‌ها را با برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی گره‌زده، می‌فرماید: «امارات الدُّول انشاءُ الحیل؛ پای‌داری و بقای دولت‌ها بستگی به برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در امور دارد»^۱.

گام نهادن در هر راهی مشکلات و سختی‌هایی به دنبال دارد. مسافری که قصد سفر به صحرائی دارد، باید توشه خود را بر اساس احتمالات بردارد، وگرنه در میانه راه، درمانده و خسته خواهد شد و از ادامه راه باز خواهد ماند. تبلیغ دینی نیز از این مقوله جدا نیست و باید پیش از ورود در آن، احتمالات را در نظر گرفت. معلوم است که هرگونه کوتاهی و سستی در برنامه‌ریزی کوهی از مشکلات را در برابر مدیریت قرار خواهد داد.^۲

جود امکانات و وسایل گوناگون بدون برنامه‌ریزی تنها موجب از بین رفتن منابع خواهد شد. حضرت علی (علیه السلام) در نگاهی مدبرانه و کلامی حکیمانه، برنامه‌ریزی را از امکانات و منابع، مهم‌تر ارزیابی نموده، می‌فرماید: «التَّلَطُّفُ فِي الْحِيلَةِ أَجْدَى مِنَ الْوَسِيلَةِ؛ ظرافت و دقت در برنامه‌ریزی مهم‌تر و بهتر از وسایل و امکانات است»^۳.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَالْعَصْرُ* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛ سوگند به عصر [ظهور پیامبر اسلام]* [که] بی‌تردید انسان در زیان کاری بزرگی است»^۴.

آری انسان، همانند کسی است که سرمایه عظیمی در اختیار داشته باشد، و بی‌آنکه بخواهد هر روز بخشی از آن سرمایه‌ها را از او بگیرند، این طبیعت زندگی دنیا است، طبیعت زیان‌کردن مداوم! یک قلب استعداد معینی برای ضربان دارد، وقتی آن استعداد و توان پایان گرفت قلب خود به خود می‌ایستد، بی‌آنکه عیب و علت و بیماری در کار باشد، و این در صورتی است که بر اثر بیماری قبلا از کار نیفتد همچنین سایر دستگاه‌های وجودی انسان و سرمایه‌های استعدادهای مختلف او^۵.

^۱ محمدی ریشه‌ری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۵۱

^۲ ابراهیمی، مدیریت اسلامی، ص ۴۲

^۳ آمدی، غررالحکم، ح ۲۰۲۵

^۴ سوره عصر، آیه ۱

^۵ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۹۵

در عصر ارتباطات و پیشرفت های شگرف برای کسب علم و دانش و رشد فکری، اجتماعی و معنوی انسان نیاز به برنامه ریزی و تنظیم اوقات دارد. اسلام به عنوان کامل ترین دین الهی بر مساله برنامه ریزی تاکید دارد.

به طور کلی نظم و ترتیب در زندگی نقش سازنده ای دارد و تاخیر در انجام وظیفه شخص را با خطر جدی رو به رو می سازد.

۳_۳: اولیت بندی

از ضروری ترین کارها در یک زندگی موفق برنامه ریزی و اولویت بندی در کارهاست. به هر چیزی به اندازه اهمیت و ضرورتش باید بها داد و وقت صرف آن کرد. همه کارها در یک درجه از اهمیت نیستند. این یکی از شیوه ها و نکات مدیریت است که انسانرا در رسیدن به هدف و بهره گیری از امکانات موفق تر می سازد.^۱

باید نیرو و نیاز را شناخت و از نیروها برای رفع نیازها بهره گرفت. نیروی ما گاهی پول است، گاهی وقت است، گاهی قدرت بدنی است، گاهی فرصت جوانی است، گاهی هم موقعیت اجتماعی و اعتباری مردمی.^۲

همان گونه که امام علی (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِ ضَيَعَ الْأَهْمُ؛ هر کس به کار غیر مهم بپردازد، کار مهم تر را تباه ساخته است»^۳.

مهمترین و ضروری ترین کارها اموری هستند که بیشترین تأثیر را روی کار و زندگی دارند و به جای تمرکز روی سایر کارها باید تمام توجه خود را معطوف به آنها نمود و برای موارد مختلف به تناسب اهمیت شان برنامه ریزی کرد. (نک: فرهی و سروش) به همین ترتیب لازم است انسان به گونه ای در زندگی فردی خویش برنامه ریزی داشته و زمان خود را مدیریت نماید که به هر کاری در حد و اندازه لازم خویش بپردازد و اینگونه نباشد که انجام یکی موجب از دست رفتن و یا ضرر رساندن به دیگر کارها شود بعنوان مثال در مورد عبادات فردی و بویژه مستحبات امام (علیه السلام)

^۱ محدثی، حکمت های علوی، ص ۱۲۷

^۲ همان

^۳ آمدی، غررالحکم ج ۲ ص ۳۳۰

می فرمایند اگر انجام مستحبی تو را از این کار واجب باز دارد هیچ فایده ای بر آن مترتب نیست و موجب قرب الهی نمی شود.^۱

اولویت بندی زمانی یکی از مولفه های اساسی مدیریت زمان در سبک زندگی اسلامی است. برای بهره مندی حداکثری از فرصت ها، باید اولویت ها به خوبی شناخته شود. اولویت بندی زمانی در سبک زندگی عبادی و اولویت بندی زمانی در استفاده از فرصت های زندگی از مهم ترین عناصر اولویت بندی در سبک زندگی اسلامی است.

همان گونه که خداوند متعال می فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّكْرِينَ؛ و نماز را در دو طرف (اول و آخر) روز به پا دار و نیز در ساعات آغازین شب، که البته حسنات و نکوکاریها، سیئات و بدکاریها را نابود می سازد، این (نماز یا این سخن که حسنات شما سیئات را محو می کند) یادآوری است برای اهل ذکر و پندی بر مردم آگاه است»^۲.

یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است تلقین است. انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته بشود، باید آن مسائلی که مربوط به ساختن خودش است تلقین کند به خودش، تکرار کند. یک مطلبی که تأثیر در نفس انسان به یاد بکند، با تلقینات و تکرارها بیشتر در نفس انسان نقش پیدا می کند.^۳

انسان باید کارهایش را اولویت بندی کند و تا آنجا که امکان دارد ابتدا کارهای مهم را انجام دهد، بعد به کارهای مهم پردازد. در روایتی از امام کاظم (علیه السلام) اولویت بندی در تحصیل علم اینچنین بیان شده است: «أُولَى الْعِلْمِ بَكَ مَا لَا يَصْلِحُ لَكَ الْعَمَلُ إِلَّا بِهِ، وَأَوْجِبُ الْعِلْمَ عَلَيْكَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ عَنِ الْعَمَلِ بِهِ، وَالزُّمُّ الْعِلْمَ لَكَ مَا دَلَّكَ عَلَى صَلَاحِ قَلْبِكَ، وَأَظْهَرَ لَكَ فَسَادَهُ، وَأَحْمَدُ الْعِلْمَ عَاقِبَةً مَا زَادَكَ فِي عَمَلِكَ الْعَاجِلِ، فَلَا تَشْغَلَنَّ بِعِلْمٍ مَا لَا يَضُرُّكَ جَهْلُهُ، وَلَا تَغْفُلَنَّ عَنِ عِلْمٍ مَا يَزِيدُ فِي جَهْلِكَ تَرْكُهُ؛ شایسته ترین دانش برای تو آن است که عمل تو بدون آن سامان نپذیرد و واجبترین دانش برای تو آن است که از عمل به آن پرسیده می شوی و لازمترین دانش برای تو آن است که به صلاح قلبت ره بنماید

^۱ سید رضی، شرح نهج البلاغه، حکمت ۳۸

^۲ سوره هود، آیه ۱۱۴

^۳ قرائتی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۲۰

و تباهی‌اش را برای روشن سازد و نیک فرجامترین دانش آن است که در عمل زودگذر تو بیفزاید، پس به دانشی که ندانستنش زیانی به تو نمی‌رساند سرگرم مشو و از دانشی که رها کردنش بر نادانی تو می‌افزاید، غافل مشو^۱».

نتیجه

زمان، ارزشمندترین داشته‌ زندگی و بزرگ‌ترین ودیعه و سرمایه‌ای است که خداوند توانا در اختیار انسان قرار داده است با دارا بودن زمان است که انسان می‌تواند چیزهای دیگر را به‌دست‌آورد؛ کسب هر دستاوردی، وابسته است به داشتن زمان؛ زمان را نه می‌توان ذخیره کرد و نه دوباره خلق نمود؛ خداوند هم تاحدی به هر انسانی زمان می‌دهد و قرار نیست انسانی مهلت زمانی نا محدود داشته باشد؛ عمر و در واقع زمان آدمی، محدود و تمام‌شدنی است؛ موفقیت و شکست هر فردی، هم بستگی به نحوه استفاده او از وقتش دارد؛ همان‌طور که هر کس برای زندگی خود برنامه‌ریزی می‌کند، برای زمانش نیز باید به‌طور اساسی برنامه‌ریزی نماید؛ و برای تمامی برنامه‌های زندگی خود هدف‌های مشخص داشته باشد و همچنین بتواند برای کارهای خود اولیت قرار داده و کارهای بی‌اهمیت را کنا بگذارد صرفاً از این جهت می‌تواند زمان خود را مدیریت نموده و با توجه به تعالیم اسلامی از آن بهره‌کافی ببرد

^۱ ابن‌فهد حلی، عدّه‌الداعی، ص ۶۸.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱) آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، خوانساری، قم، دارالکتب الاسلامی، بی تا.
- ۲) ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، ۱۱۱۴ ه ق
- ۳) ابن فارس، معجم المقاییس الغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ه ق
- ۴) استرآبادی، محمد بن حسن، شرح شافیه ابن الحاجب، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۲ ق
- ۵) ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسۀ التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ه ق
- ۶) ابوالفتوح رازی، محمد بن احمد، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، استان قدس رضوی، بی تا
- ۷) ابراهیمی، محمد حسین، مدیریت اسلامی، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۹ ه ش
- ۸) تهانوی، محمد علی بن علی، کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م
- ۹) به پژوه، احمد، هفتاد رهنمود مهم درباره مدیریت زمان برای پدران و مادران، تهران، مجله پیوند، ۱۳۸۱ ه ش
- ۱۰) پور حسینی، علی، چهار اکسیر موفقیت، تهران، آوای رعنا، ۱۳۸۹ ه ش
- ۱۱) جعفری، محمد تقی، ترجمه نهج البلاغه، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا

- ۱۲) جمیل صلیبا، منوچهر صانعی دره بیدی، فرهنگ فلسفی، قم، حکمت، بی تا
- ۱۳) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، قاهره، ۱۳۷۶ ه ش
- ۱۴) حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد الله، کشف الظنون، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا
- ۱۵) حلی، ابن فهد، آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز (ترجمه عدة الداعی)، نائیجی، محمد حسین، تهران، کیا، ۱۳۸۱ ه ش
- ۱۶) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، ۱۳۷۱ ه ش
- ۱۷) داوود پور، حمید، مدیریت تولید، تهران، خاتون، ۱۳۹۵ ه ش
- ۱۸) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ه ق.
- ۱۹) رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، بی تا
- ۲۰) سلحشور، ماندانا، الفبای زندگی برای کودکان، تهران، موسسه انتشاراتی فلسفه، ۱۳۹۰ ه ش
- ۲۱) سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ه ش
- ۲۲) سادات، محمد علی، بینش اسلامی دوره پیش دانشگاهی، تهران، موسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۳۸۴ ه ش
- ۲۳) شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، صالح، صبحی، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه ق
- ۲۴) طباطبایی، محمد حسین، نهاییه الحکمه، شیروانی، علی، قم، دارالعلم، ۱۳۹۱ ه ش
- ۲۵) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو، چاپ هشتم، ۱۳۸۴ ه ش
- ۲۶) فلسفی، محمد تقی، فرهنگ فلسفی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ه ش
- ۲۷) فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ ه ق
- ۲۸) فتحی، مهدی، مهارت مدیریت زمان، تهران، موسسه پژوهشی فرهنگ بهداشت حسینی نژاد، ۱۳۹۳ ه ش
- ۲۹) فیومی، احمد؛ المصباح المنیر، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق
- ۳۰) فخر رازی، مباحث مشرقیه، قم، بیدار، ۱۳۸۷ ه ش
- ۳۱) گروهی از مترجمان، تفسیر جوامع الجامع، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۴ ه ش
- ۳۲) معلوف، لوپس، المنجد، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۰ ه ش

- ۳۳) معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، زرین، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ه.ش
- ۳۴) مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸ ه.ش، ۱۳۹۱ ه.ش
- ۳۵) مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دار الکتب الاسلامیه، بی تا
- ۳۶) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ش.
- ۳۷) محمدی ریشه‌ری، محمد، میزان الحکمه، دارالحدیث، چاپ پنجم ۱۳۸۴ ه.ش
- ۳۸) محدثی، جواد، حکمت های علوی، قم معروف، ۱۳۹۲ ه.ش